دیه‌های خارج از مبلغ تعیین‌شده در قانون به یک پدیده و آسیب اجتماعی تبدیل شده است

دیه‌های میلیاردی

آیدا پیغامی-شهروند حقوقی| نزدیک غروب بود که خانه را برای قراری که روز قبل با دوستانش هماهنگ کرده بود، ترک کرد. استارت که زد ماشین روشن نشد و تا زمانی که آن را راه بیندازد زمان زیادی طول کشید. دیر شده بود. تلفنش مدام زنگ می‌خورد و دوستانش یک لحظه آرامش نمی‌گذاشتند. نزدیک پارکی که محل قرار بود رسید، پارکینگ پر بود و به همین دلیل مجبور شد در خیابان‌های اطراف دنبال جای پارک بگردد. بالاخره بعد از دور زدن‌های زیاد در خیابان‌ها جای پارکی پیدا کرد. اما همین که قصد کرد ماشین را داخل آن بگذارد یک ماشین دیگر از جلو دنده‌عقب گرفت و جای پارک را پر کرد. کلافه شده بود. دیر شدن، صدای زنگ مدام تلفن، شلوغی و ترافیک و گرفتن جای پارک عصبانی‌اش کرده بود. از ماشین پیاده شد و به سمت کسی که جای پارکش را تصاحب کرده بود رفت. درون ماشین راننده به همراه یک زن و دو کودک بود اما این موضوع مانع از این نشد که عصبانیت او فروکش کند به همین دلیل راننده را از ماشین بیرون کشید و با او درگیر شد. جمعیت زیادی جمع شده بود و درگیری تا جایی ادامه پیدا کرد که مجبور شد از درون ماشین قفل فرمان را دربیاورد و به سر راننده بکوبد. راننده در مقابل همسر و فرزندانش با سر و صورت خونی روی زمین افتاد و همه‌چیز همین‌جا به‌خاطر یک جای پارک تمام شد. بعد از رفت‌وآمدهایی که پدر و مادر قاتل برای گرفتن رضایت انجام دادند، سرانجام خانواده مقتول راضی شد در ازای دریافت دیه از خون از دست داده‌اش بگذر اما به مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در قانون عنوان شده است. خانواده قاتل بعد از گذراندن هفت‌خان رضایت گرفتن از خانواده مقتول، حالا با خان دیگری به نام جورکردن دیه روبه‌رو شده و برای فراهم‌کردن آن و رهاکردن فرزندشان از اعدام دست به دامن افراد نیکوکار و هنرمندان و موسسه‌های خیریه شدند.

پیشنهاد دیه‌هایی بیش از مبلغ تعیین‌شده در قانون از طرف خانواده مقتول و تکاپو و تلاش خانواده قاتل برای فراهم کردن آن به وسیله خود یا افراد نیکوکار و موسسه‌های خیریه در چندسال اخیر آن‌قدر زیاد شده که حالا تقریبا به عنوان یک عرف درآمده است. اما باید در مورد دیه‌های میلیاردی این موضوع را در نظر داشت که اکثر خانواده‌ها توانایی فراهم کردن دیه پیشنهادی را ندارند و حالا این موضوع به صورت یک آسیب و معضل برای جامعه و خانواده‌های مقتول درآمده است.

قانون هیچ ممنوعیتی برای دیه‌های پیشنهادی خانواده مقتول ندارد

تعیین دیه‌های خارج از عرف از سمت خانواده مقتول برای رضایت‌دادن به خانواده قاتل از یک سو و نبودن محدودیت و ممنوعیت در قانون برای دیه‌های پیشنهادشده، گاه خانواده‌های قاتل را تا مرز ورشکسته شدن و از دست دادن تمام دارایی‌های خود می‌برد. پیمان حاج‌محمود عطار، وکیل پایه یک دادگستری با اشاره به این موضوع که قانون هیچ محدودیت و ممنوعیتی را برای دیه‌هایی که خانواده مقتول پیشنهاد می‌دهد، اعمال نکرده و خانواده مقتول هر مبلغی را که بخواهند مطالبه می‌کنند به «شهروند» گفت: برابر قانون مجازات اسلامی بخش قصاص، اگر شخصی به صورت عمدی و آگاهانه حق حیات را از کسی سلب و او را به قتل برساند و حکم قصاص برای او صادر و قطعی شود و به تأیید ریاست قوه قضائیه هم برسد، اعدام شخص قاتل از بابت قصاص شخص بی‌گناه لازم‌الاجراست و غیرقابل تغییر به دیه است، مگر این‌که اولیای‌دم مقتول به دریافت دیه راضی شوند. در قانون مجازات اسلامی که مرتبط با فقه شیعه است در رابطه با دیه بدل از قصاص محدودیتی پیش‌بینی نشده و آن محدودیتی که در قانون دیات برای دیه تعیین شده برای زمانی است که شخص بدون حق تصمیم و سوءنیت و به صورت اشتباه و خطا و غیرعمد مرتکب قتل شخص دیگری شود که به این نوع قتل، قتل خطای محض می‌گویند و در این حالت دیه مقتول در قانون پیش‌بینی و همه ساله براساس شاخص بانک مرکزی و نرخ تورمی که بانک مرکزی اعلام می‌کند و ارزش شتر که مبنای تعیین دیه است، تعیین شده است. وی در ادامه افزود: رئیس قوه قضائیه طبق قانون اجازه دارد همه ساله در اول سال خورشیدی میزان دیه را بر این مبنا افزایش دهد. اما دیه‌ای که رئیس قوه قضائیه هرسال اختیار تعیین ارزش ریالی آن را دارد صرفا مربوط به دیه قتل خطایی است و دیه‌ای که قاتل و خانواده او یا موسسات خیریه یا هر شخص دیگری برای تبدیل قصاص قاتل به دیه می‌دهند، رقم آن در قانون مشخص نشده و اختیار میزان و مقدار و چگونگی پرداخت آن با توافق خانواده مقتول و اشخاص پرداخت‌کننده است و از لحاظ قانون هیچ ممنوعیتی در این‌که دیه پیشنهادی چندمیلیون یا چند میلیارد تومان یا دلار یا هر کالای دیگری باشد، نیست. بنابراین خانواده مقتول این اجازه را دارند که براساس رضایتی که می‌دهند از قاتل یا هر شخص دیگری که به جانشینی قاتل می‌خواهد رضایت خانواده مقتول را جلب کند، مبلغ یا کالایی را مطالبه کنند و از نظر قانونی هیچ ممنوعیت و محدودیتی هم ندارند.

پدیده دیه‌های میلیاردی مشابه مهریه‌های میلیاردی است

عطار در پاسخ به این سوال که با پدیده به وجود آمده در مورد دریافت دیه‌های بیشتر از مبلغ مشخص شده در قانون که به دلیل افزایش در چندسال اخیر به صورت یک عرف درآمده و بسیاری از خانواده‌ها که عضوی از خانواده‌شان مرتکب قتل شده‌اند و از نظر مالی توانایی پرداخت دیه پیشنهادی را ندارند، چه باید کرد، گفت: مشکل پدیده حادث‌شده تا حدودی شبیه مشکل مهریه‌هاست. مهریه‌های سنگینی که جوانان هنگام ازدواج بدون توجه به این‌که امکان پرداخت آن را ندارند، می‌پذیرند و متعهد می‌شوند و بعد از مدتی به جهت ایجاد اختلاف بین زوجین منجر به مطالبه مهریه سنگین از ناحیه زن می‌شود. پدیده دیه‌های خارج از عرف هم مانند مهریه‌ها به صورت یک آسیب و معضل اجتماعی درآمده است و به نظر می‌رسد راهکار و چاره علاج این آسیب اجتماعی را باید در قبل از وقوع چنین رخدادهای نابهنجار اجتماعی پیگیری کنیم. اگر آمار جرایم خشونت‌بار مردم را طی سالیان اخیر بررسی کنید، متوجه خواهید شد آمار آن رشد صعودی داشته و دلایل مختلفی می‌توان برای این معضل برشمرد. برای کاهش یا از بین بردن چنین آمارهایی بهتر است قانون‌گذاران ما در سیاست جنایی و قانون‌گذاری‌شان به این آسیب‌ها بپردازند و از آن جلوگیری کنند. اگر بتوان از جرایم خشونت‌بار اعم از ضرب‌وجرح و کشتن افراد توسط یکدیگر جلوگیری کرد، مسلما می‌توان آمار جرایم منجر به مرگ یا خشن را در بین شهروندان کاهش داد. متاسفانه مسئولان کشور در مورد این موضوع غفلت ورزیده‌اند و ما هر روز شاهد تشکیل پرونده‌های جنایی در دادسراها هستیم.

پیمان حاج‌محمود عطار: خانواده مقتول این اجازه را دارند که براساس رضایتی که می‌دهند از قاتل یا هر شخص دیگری که به جانشینی قاتل می‌خواهد رضایت خانواده مقتول را جلب کند مبلغ یا کالایی را مطالبه کند و از نظر قانونی هیچ ممنوعیت و محدودیتی هم ندارند

این وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به این سوال که موسسات خیریه‌ای که در فراهم کردن دیه مقتول به خانواده قاتل و خود قاتل کمک می‌کنند، آیا مکلف هستند دیه تعیین‌شده در قانون را فراهم یا دیه پیشنهادی خانواده مقتول را پرداخت کنند، گفت: این موسسات به جانشینی از قاتل و خانواده‌اش ناگزیر هستند هر آنچه را که خانواده مقتول مطالبه می‌کند، فراهم و پرداخت کنند. ولی همان‌طور که می‌دانیم موسسات خیریه تکلیف قانونی ندارند و همان‌طور که اسم‌شان هم روی‌شان است به صورت نیکوکاری و خیرخواهی اقدام به این کار می‌کنند و تکلیف قانونی ندارند که دیه‌ای را بدهند و چه میزان بدهند یا اصلا ندهند. در اساسنامه موسسات خیریه تکلیف نشده که اگر موسسه‌ای ثبت شد و اگر شخصی دیگری را کشت، آن موسسه باید به جای قاتل دیه مقتول را بدهد، حالا اگر دیه تعیین‌شده می‌خواهد طبق قانون یا بیشتر از آن باشد، چون این موسسات از روی حسن‌نیت و نیکوکاری این کار را انجام می‌دهند و از طرفی برای فراهم‌کردن دیه، جانشین خانواده قاتل هم هستند، به همین دلیل منوط به نظر خانواده و اولیای‌دم مقتول مبلغی را که مطالبه کنند، پرداخت خواهند کرد.

افراد بخشیده‌شده نباید مستقیما وارد جامعه شوند

پدیده دیه‌های خارج از عرف در چندسال اخیر تبدیل به یک معضل اجتماعی شده و در برخی از موارد مجرمان به امید این‌که روزی بخشیده می‌شوند مرتکب عمل خلاف قانون می‌شوند.

ناصر قاسمزاد، روانشناس و مدیرعامل جمعیت حمایت از بهداشت و روان جامعه با اشاره به این‌که باید برای بخشش قتل عمد و غیرعمد تفاوت قایل شد به «شهروند» گفت: ما باید بین نحوه و نوع جرم و اتفاقی که رخ داده است، تفاوت قایل شویم. یک زمانی فردی مرتکب قتل غیرعمد مانند تصادف شده که کمک‌کردن به این آدم وظیفه انسانی و عرفی است و زمانی یک آدم عاقل و بالغ با علم و آگاهی حق حیات را از فرد دیگری سلب می‌کند که به نظر من اگر قرار است بخششی برای جلوگیری از اعدام کسی که به عمد مرتکب قتل شده صورت گیرد، از طرفی هم باید تنبیهی برای او درنظر گرفته شود که با بخشش، قبح جرم در جامعه از بین نرود. به‌طور مثال این تنبیه می‌تواند به صورت یک محرومیت یا تبعید برای فرد خاطی باشد، نه به‌صورت اعدام و قصاص و این‌گونه موارد، زیرا همان‌طور که می‌دانید در مورد اعدام و قصاص در جامعه جهانی سوگیری‌های منفی وجود دارد، گرچه در همه جای دنیا اعدام از نوع خودش در صورت وقوع قتل عمد وجود دارد.

ناصر قاسمزاد: ما باید در قبال قتل های عمد کاری کنیم که اگر این افراد از طرف شاکی و یا خانواده مقتول هم بخشیده می شوند ولی از طرف جامعه تنبیه شوند که هم درس عبرتی برای جامعه ریخته نشود

این روانشناس با تأکید بر این موضوع که نباید شخص خاطی که بخشیده شده است را فورا وارد جامعه کرد و حتما باید برای او یک تنبیه در نظر گرفت، خاطرنشان کرد: یک زمانی شخصی آگاهانه دست به قتل عده‌ای می‌زند. مانند فردی که خانواده همسرش را در جیرفت کشت. این شخص با علم و آگاهی حق حیات چند نفر را گرفته است و اگر بخشش برای این فرد اعمال شود، هیچ لطفی به جامعه نکرده‌ایم مانند زمانی که فردی را به خاطر قتل می‌کشیم، زیرا ما باید کاری کنیم که فرد تنبیه شود و به دنبال آن به جامعه هشدار دهیم که این عمل اشتباه است که متاسفانه این اتفاق رخ نمی‌دهد. ما باید در قبال قتل‌های عمد کاری کنیم که اگر این افراد از طرف شاکی یا خانواده مقتول هم بخشیده می‌شوند ولی از طرف جامعه تنبیه شوند که هم درس عبرتی برای جامعه شوند و هم قبح جرایم در جامعه ریخته نشود. به‌طور مثال عرف شده که بیشتر بخشش‌ها در مورد جوانان و زنان با آوردن دلایلی ازجمله این‌که جوان هستند یا در دفاع از خود بوده، صورت می‌گیرد که متاسفانه صدور این‌گونه بخشش‌ها جای پای سخت و محکمی را برای دیگر مجرمان ایجاد می‌کند و اگر چنین چیزی ادامه‌دار باشد به نوعی اثرات جرم و بزه در جامعه ساخته می‌شود و ارتکاب آن به صورت غیرمستقیم در جامعه برای دیگران صادر خواهد شد.

بخشش جای پای محکم برای ارتکاب مجدد جرایم

مدیر عامل جمعیت حمایت از بهداشت و روان جامعه با اشاره به این موضوع که تهیه و تنظیم دستورالعمل برای این‌که چه افرادی و در چه شرایطی شامل بخشش می‌شوند و چه افرادی را باید تنبیه کرد می‌تواند در کاهش آمار جرم و بزه موثر باشد، گفت: به‌نظر من در این مورد باید تدبیری اندیشیده شود که اگر جرم رخ داده، آن جرمی نیست که تبعات اجتماعی داشته باشد که هیچ، ولی اگر جرمی است که تبعات اجتماعی دارد باید برای آن یک تنبیه در نظر گرفته شود. یک زمانی است که خود اولیای دم در لحظه اعدام یا قصاص شخص خاطی را می‌بخشند ولی زمانی خانواده مقتول از حق خود نمی‌گذرد و بعضی‌ها به منظور بخشش قاتل با دلایل انسان‌دوستانه اصرار به بخشش می‌کنند که به‌نظر می‌رسد در این موارد باید برای شخص بخشیده‌شده تنبیهی در نظر گرفته شود که آن شخص مبنی بر این‌که کاری را انجام داده و بخشیده می‌شود، خیالش راحت نشود، زیرا این موج به وجود آمده باعث می‌شود اثرات مظنون‌بودن این نوع ارتکاب جرایم زیرسوال برود. اگرچه با اعدام و قصاص هم موجب تنبیه‌شدن فرد خاطی نخواهیم شد ولی تقبل‌کردن هزینه توسط افراد و بازگرداندن فردی که آگاهانه و در صحت عقل کامل دست به قتل زده است، کار اشتباهی است. ما باید کاری کنیم که سرنوشت این فرد سرمشق دیگران شود و با این کار به جامعه هشدار دهیم. به‌طور مثال فردی که به دلیل جنون آنی مرتکب قتلی می‌شود و سابقه خوبی دارد همین که براساس شرایطی که برایش به وجود آمده احساس ندامت کند، یعنی این‌که فهمیده اشتباه کرده و لازم است که بخشیده شود ولی در مواقعی برخی از افراد حتی احساس ندامت هم نمی‌کنند، زیرا به خلاف کردن عادت کرده‌اند. این‌گونه افراد انگل جامعه هستند و ما با بخشش، این انگل را بدون هیچ اثرگذاری به جامعه بازمی‌گردانیم و خودمان باعث می‌شویم که به خلاف‌های دیگر این آدم دامن زده شود. به نظر من باید دستورالعملی تهیه شود که در آن دستورالعمل مشخص شود چه افرادی و در چه شرایطی شامل بخشش می‌شوند و باید تنبیه را برای چه افرادی در نظر بگیریم تا بلکه بتوانیم با این کار آمار بزه و جرم را در جامعه کاهش دهیم.

در قانون صراحتا اعلام شده که قصاص برای فردی که آگاهانه مرتکب قتل شده لازم‌الاجراست و در صورت بخشیده‌نشدن از سوی خانواده مقتول، قاتل نمی‌تواند دیه‌ای برای رهایی از قصاص بپردازد. با این حال در قانون مشخص نشده که اگر فرد قاتل بتواند از خانواده مقتول رضایت بگیرد باید چه میزان و مبلغ دیه‌ای برای رهایی پرداخت کند.

بدانیم

حق تعیین محل سکونت مشترک زوجین

تعیین حق مسکن با زوج است مگر این‌که زوجه در زمان عقد امکان تعیین محل سکنی را جزو شروط ضمن عقد خود قرار دهد. در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضع زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

طبق این ماده مسکن جزیی از حق نفقه زوجه بوده و زوج مکلف است مسکن مناسبی برای خانواده خود تهیه کند. نکته دیگر این ماده این است که مسکن تهیه شده باید متناسب با شأن و مرتبه اجتماعی زن باشد، در غیراین‌صورت زن می‌تواند از سکونت در آن خانه ممانعت کند. سوال دیگر این است که حق تعیین محل سکونت مشترک زوجین با کدام‌یک از زوجین است؟ از لحاظ دینی و اخلاقی ایده‌آل آن است که زوجین با همفکری و تصمیم‌گیری مشترک به یک تفاهم برسند و محل زندگی آینده خود را مشخص کنند ولی اگر نتوانستند به نتیجه یکسانی برسند، قانون مدنی تکلیف را روشن کرده است. براساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی: زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی کند مگر آن‌که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. همچنین طبق ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی: اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود از نظر قانون مدنی تعیین مسکن خانواده حق شوهر است و این حق، طبق ضابطه پذیرفته شده در حقوق، قابل واگذاری به زن است و این واگذاری ممکن است ضمن عقد ازدواج یا ضمن عقد دیگر باشد. علت این حق آن است که تهیه مسکن وظیفه شوهر است. همچنین در حقوق ایران، مانند حقوق بسیاری از کشورها، ریاست خانواده به عهده مرد است. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که مبتنی بر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و فقه اسلامی است در این زمینه می‌گوید: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

در توضیح این قاعده باید گفت که هر اجتماعی نیاز به رئیسی دارد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف، نظر او قاطع باشد. خانواده نیز از این مسأله مستثنی نیست. اصولا زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و توافق یکدیگر امور خانواده را اداره کنند. اما اگر درباره مسائل خانوادگی بین آنان اختلاف‌نظر و سلیقه پدید آید، نظر مرد به‌عنوان رئیس خانواده مقدم خواهد بود. اگر خانواده رئیسی نداشته باشد و زن و مرد در اداره امور آن برابر باشند، ناچار باید برای حل اختلاف خود در هر مورد به دادگاه رجوع کنند و همین امر ممکن است صلح و صفای خانواده را به‌هم بزند و پایه‌های زندگی مشترک را فرو ریزد. ریاست خانواده برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و یک امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود. ریاست خانواده بیشتر یک وظیفه اجتماعی است که برای تأمین سعادت خانواده به مرد محول شده و او نمی‌تواند از آن سوءاستفاده کند و برخلاف عرف و مصلحت خانواده آن را به کار ببرد.

نگاه

کاهش آمار مجرمان نیازمند تبدیل برخی جرایم به تخلف است

وجود تعداد بالای عناوین مجرمانه سبب شده شاهد افزایش پرونده‌های قضائی و متعاقب آن پرشده زندان‌ها باشیم. بنابراین طی سال‌های اخیر حقوقدانان با انتقاد به وضع قوانین و افزایش عناوین مجرمانه بارها پیشنهاد تغییر قوانین و کاهش عناوین مجرمانه را مطرح کرده‌اند.

عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس با بیان این‌که برای کاهش آمار سالانه مجرمان باید برخی عناوین مجرمانه به تخلف تبدیل شود، گفت: کاهش آمار سالانه مجرمان با هم‌افزایی سه قوه امکان‌پذیر است. محمدعلی پورمختار در گفت‌وگو با خانه ملت، درخصوص مصوبه مجلس در بررسی لایحه برنامه ششم مبنی بر این‌که سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه مکلف به کاهش ۱۰درصدی آمار سالانه مجرمان است، گفت: کاهش آمار سالانه مجرمان جزو وظایف مصرح برای قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی است، بر این اساس پیشگیری از وقوع جرم ضرورتی انکارناپذیر برای کاهش آمار سالانه مجرمان است.

نماینده مردم بهار و کبودرآهنگ در مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که به‌طور معمول جرایم در خارج از قوه قضائیه رخ داده اما آثار آن در این قوه مشاهده می‌شود، گفت: واقعیت آن است که قوه قضائیه به‌طور مستقیم با مجرمانی درگیر است که ساخته و پرداخته عملکرد سایر دستگاه‌هاست، بر این اساس و با توجه به این‌که این قوه به اطلاعات مجرمان دسترسی خوبی دارد، در مصوبه مجلس در برنامه ششم مقرر شد

عکس: میزان

علل وقوع جرایم از سوی این قوه تجزیه‌وتحلیل شده و سهم دستگاه‌های دیگر در این حوزه مشخص شود.

وی با بیان این‌که افزایش جرم علل و دلایل مختلفی دارد، تصریح کرد: یک بخش از این موضوع ناشی از قانون‌گذاری نامناسب در دستگاه‌های ذیربط است، ضمن این‌که بخش دیگر با عملکرد نامناسب دستگاه‌ها، متولیان و مسئولان اجرایی در قوه مجریه در ارتباط است؛ بنابراین قوه قضائیه باید موارد اینچنینی را تجزیه‌وتحلیل و بررسی کند تا با بررسی دقیق و کارشناسی میزان وقوع جرایم سالانه ۱۰درصد با رویکرد دستیابی به نقطه قابل قبول کاهش پیدا کند.

پورمختار ادامه داد: برخی قوانین، اقداماتی که جنبه مجرمانه ندارند را جرم‌انگاری کرده، این درحالی است که برای کاهش آمار سالانه مجرمان این جرایم باید به عناوین غیرمجرمانه و تخلف تبدیل شود، بنابراین رسیدگی به این تخلفات را باید برعهده مراکز غیرقضائی یا شبه‌قضائی قرار داد، این موضوع در راستای اجرای سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری تاثیر گذار است.

این نماینده مردم در مجلس دهم با تأکید بر این‌که مصوبه مجلس در کاهش ۱۰درصدی آمار سالانه مجرمان بسیار مفید و موثر است، گفت: پس از تایید نهایی شورای نگهبان هر ۳قوه مکلف هستند در این خصوص همکاری و همیاری کنند تا کاهش تنش‌های اجتماعی و آمار بالای ورودی‌ها به قوه قضائیه به وجود آید، زیرا حسب آمار و ارقام اعلامی از سوی مسئولان درحال‌حاضر سالانه ۱۵میلیون پرونده در دستگاه قضائی وجود دارد که میزان بسیار بالایی است.

عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که بند کاهش ۱۰درصدی سالانه آمار مجرمان با نظر قوه قضائیه در لایحه ششم تهیه شده است، افزود: براساس جدول تهیه شده در برنامه ششم در طول ۵سال برنامه ششم نحوه اجرای این کار دقیق و مشخص خواهد شد، ضمن این‌که بیش از ۱۰درصد آمار جرایم باید کاهش پیدا کند؛ البته پیشنهاد شد که براساس حداقل‌های ممکن جرایم در کشور باید زیر ۱۰درصد کاهش پیدا کند، زیرا جامعه نیازمند امنیت روانی بوده و مبانی ایجاد جرم و منابع باید ازمیان برود؛ از این‌رو این موضوع با هم‌افزایی میان ۳قوه و افزایش بودجه قوه قضائیه اجرایی خواهد شد.

نمایندگان مجلس در جریان بررسی لایحه برنامه ششم، سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه را مکلف به کاهش ۱۰درصدی آمار سالانه مجرمان کردند.